



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۹۰

پاسخنامه

|         |         |         |        |
|---------|---------|---------|--------|
| پایه :  | ۱۰      | موضوع : | اصول ۱ |
| تاریخ : | ۹۰/۶/۱۳ | ساعت :  | ۱۶     |

نام کتاب: کفایه الاصول، از المقصد الخامس (المطلق والمقید) تا المقصد السابع اصول العملية

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. لا یکاد یمکن أن یؤخذ القطع بحکم فی موضوع نفس هذا الحکم ..... ج ۳۰۷
  - أ. للزوم اجتماع المثلین
  - ب. للزوم اجتماع الضدین
  - ج. للزوم الدور ■
  - د. للزوم التسلسل
۲. به نظر مصنف، مراد از «تفسیر به رأی» حمل لفظ ..... است. ب ۳۲۷
  - أ. بر معنای ظاهر لفظ
  - ب. بر معنای خلاف ظاهر آن ■
  - ج. بر معنای مجازی با قرینه
  - د. مشترک بر یکی از معانی با قرینه
۳. به نظر مصنف، قول لغوی در تعیین وضع حجّت است ..... د ۳۳۰
  - أ. چون موجب وثوق و اطمینان به وضع می شود
  - ب. چون نیاز به قول لغوی بسیار زیاد است
  - ج. در فرض انسداد باب علم مطلقاً
  - د. در فرض انسداد باب علم به احکام ■
۴. اذا تعارض اثنان من الاجماع المنقولة فالتعارض .... ب ۳۳۵ (ع: ۱: ۲)
  - أ. لا یكون بحسب المسبب لامتناع التهافت فی نظر الامام (ع) بل یكون بحسب السبب لاحتمال خطأ البعض
  - ب. لا یكون إلا بحسب المسبب أما بحسب السبب فلا، لاحتمال صدق الكل ■
  - ج. كما یمکن ان یكون بحسب المسبب یمکن ان یكون بحسب السبب لاحتمال خطأ البعض
  - د. لا یمکن ان یكون بحسب المسبب و لا بحسب السبب بل بلحاظ امر خارج عنهما كخطأ الناقل فی حدسه

تشریحی:

\* إحداهما (أی إحدى مقدّمات الحکمة): کون المتکلم فی مقام البیان لا الإهمال أو الإجمال، ثانیتهما: انتفاء ما یوجب التعین.

۱. أ. فرق میان «اهمال واجمال» را توضیح دهید. ب. مراد از «ما یوجب التعین» چیست؟ ۲۸۷ ع و ۱۰۱۱
 

اهمال: عبارتست از ترک التعرض للشرح والبیان. اجمال: عبارتست از تعمد المتکلم إبهام الامر لحکمة مقتضیة له.

ما یوجب التعین: أی القرینة المعینة للمراد.

\* ولا یخفی أن حجّیة القطع لا یكون بجعل جاعل؛ لعدم جعل تألیفی حقیقتاً بین الشیء ولوازمه، بل عرضاً بتبع جعله بسیطاً. ۲۹۷

۲. أ. «جعل تألیفی و بسیط» را در قالب مثالی توضیح دهید. ب. چرا «جعل حجیت برای قطع به نحو جعل تألیفی» امکان پذیر نیست؟
 

أ. جعل بسیط: عبارتست از ثبوت الشیء مثل ایجاد زید، (۵/۰ نمره) و جعل تألیفی یعنی ثبوت شیء مثل ثبوت قیام برای زید. (۵/۰ نمره)

ب. اما عدم امکان جعل حجیت برای قطع به جعل تألیفی به خاطر این است که جعل تألیفی در مواردی امکان پذیر است که انفکاک محمول از موضوع ممکن باشد اما در مواردی که انفکاک محمول از موضوع ممکن نباشد (مثل زوجیت برای اربعه)، جعل تألیفی در این گونه موارد امکان پذیر نیست و الحجیة للقطع من هذه الموارد. (۱ نمره)

۳. مراد از «مقتضی» و «علت تامه» در عبارت «العلم الإجمالي مقتضٍ بالنسبة الى الموافقة القطعية، وعلة تامّة بالنسبة الى المخالفة القطعية» چیست؟

۳۱۴

یعنی اینکه حرمت مخالفت قطعی قابل انفکاک از علم اجمالی نیست اما وجوب موافقت قطعی قابل انفکاک است یعنی مانعی می تواند جلوی تأثیر علم اجمالی را در وجوب موافقت قطعی بگیرد مثل شبهه غیر محصوره.

۴. یکی از ادله کسانی را که ظاهر قرآن را حجت نمی دانند، بنویسید. ۳۲۴

۱. اختصاص فهم القرآن و معرفته بأهله و من خوطب به. ۲. لأجل احتوائه على مضامين شامخة ومطالب غامضة عالية لا يكاد تصل اليها أيدي أفكار اولي الأنظار الغير الراسخين العالمين بتأويله. ۳. لشموله المتشابه الممنوع عن اتباعه للظاهر. ۴. العلم الاجمالي بطروء التخصيص والتقييد والتجوز في غير واحد من ظواهره. ۵. شمول الأخبار الناهية عن تفسير القرآن بالرأى.

\* إن وجه اعتبار الإجماع هو القطع برأى الإمام (ع)، ومستندالقطع به لحاكيه هو علمه بدخوله (ع) في المجمعين شخصاً ولم يعرف عيناً، أو قطعه باستلزام ما يحكيه لرأيه (ع) عقلاً من باب اللطف، أو عادةً، أو اتفاقاً من جهة الحدس برأيه (ع) وإن لم تكن ملازمة بينهما عقلاً، ولا عادةً.

۵. با توجه به عبارت، اجماع «دخولی» و «حدسی» را توضیح دهید. ۳۳۱

۱. الاجماع الدخولی هو العلم بدخول الامام عليه السلام في المجمعين شخصاً ولم يعرف عيناً.

۲. كما اذا حصل الحدس لمدعى الاجماع من دون وجود ملازمة عقلية ولا عادية.

\* يشکل الاستدلال بآية النبأ على حجیة خبر الواحد بأنه ليس لها هاهنا مفهوم ولو سلّم أن أمثالها ظاهرة في المفهوم لأنّ التعليل بإصابة القوم بالجهالة المشترك بين المفهوم والمنطوق يكون قرينةً على أنه ليس لها مفهوم. ۳۴۰

۶. اشکال مذکور در عبارت را توضیح دهید.

(مقصود از عبارت این است که این) جمله شرطیه ای که در آیه است، مفهوم ندارد و لو اینکه امثال این جمله در موارد دیگر مفهوم داشته باشد، چون در آیه قرینه وجود دارد بر عدم مفهوم، و آن قرینه، تعلیلی است که در آیه آمده است، و این تعلیل وجوب تبیین را به همه موارد عدم حصول علم از خبر تعمیم می دهد، و معلوم می شود که معیار در وجوب تبیین، عدم علم است؛ چه خبر عادل باشد یا خبر فاسق.

\* يشکل الاستدلال بالأخبار التي دلت على اعتبار أخبار الآحاد على حجیة أخبار الآحاد بأنها أخبار آحاد فإنّها غير متفقة على لفظ ولا على معنى فتكون متواترة لفظاً أو معنى. ۳۴۶

۷. اشکال مذکور را توضیح دهید.

در استدلال به اخبار برای حجیت خبر واحد اشکال کرده اند به اینکه این اخبار، خود خبر واحدند و با خبر واحد نمی شود حجیت خبر واحد را ثابت کرد و از طرفی این اخبار اگرچه زیادند، نه از جهت لفظ متفقند تا تواتر لفظی وجود داشته باشد و نه از جهت معنی متفقند تا تواتر معنوی وجود داشته باشد.

۸. عبارت «إنَّه لو لم يؤخذ بالظن لزم ترجيح المرجوح على الراجح وهو قبيح» - را که به عنوان یکی از ادله حجیت ظن ذکر شده - توضیح

دهید. ۳۵۵

مثلاً اگر ظن به وجوب فعلی پیدا شود (یعنی ۷۰ درصد احتمال وجوب آن فعل برود و ۳۰ درصد احتمال عدم وجوب آن باشد) در صورت عدم عمل به این ظن، طرف مرجوح (یعنی ۳۰ درصد) اختیار شده است و در نظر عقل، گرفتن مرجوح (۳۰ درصد) و کنار گذاشتن راجح (۷۰ درصد) قبیح است.

\* انَّ من انصراف اللفظ إلى خصوص بعض الافراد او الاصناف، ما يوجب النقل. لا يقال كيف يكون ذلك؟ و قد تقدّم أن التقييد لا يوجب التجوُّز في المطلق أصلاً، فأنه يقال إن كثرة ارادة المقيّد لدى اطلاق المطلق و لو بدالاً آخر ربما تبلغ بمثابة توجب له مزيّة انس كما في المجاز المشهور أو تعيّنًا و اختصاصاً به كما في المنقول بالغلبة. ۲۸۹

۹. أ. چه رابطه‌ای بین نقل و تجوُّز وجود دارد که عدم تجوُّز دلیل بر عدم نقل دانسته شده است؟

ب. جواب مصنف به اشکال را بیان کنید.

أ. نقل یک لفظ از یک معنا به معنای دیگر، غالباً به صورت وضع تعینی است؛ یعنی کثرت استعمال لفظ در معنای غیر موضوع له موجب وضع در این معنای جدید می‌شود و در محل بحث نیز اگر قرار باشد لفظ مطلق نقل به مقید شود، لازم است در معنای مقید استعمال شود که این استعمال مجازی است در حالی که تقیید، موجب مجاز نیست.

ب: وضع در معنای جدید، متوقف بر استعمال مجازی نیست بلکه اگر کثراً مطلق در معنای خود استعمال شود ولی به تعدد دال و مدلول اراده مقید از آن شود همین کثرت اراده مقید موجب انس ذهن به مقید می‌شود تا حدی که ممکن است بدون قرینه نیز همین معنای مقید به ذهن بیاید.